

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توسعه و دموکراسی

و

دلالت‌های آن برای ایران

تألیف

دکتر جعفر عبادی

دکتر محمود متوسلی

علی نیکونسبتی



شماره مسلسل ۸۷۶۹

شماره انتشار ۳۷۳۰

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه	: عبادی، جعفر
عنوان و نام پدیدآور	: توسعه و دموکراسی؛ دلالت‌های آن برای ایران / تألیف جعفر عبادی، محمود متوسلی، علی نیکونستی.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۲ ص: جدول.
فروست	: انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۳۷۳۰.
شابک	: 978-964-03-6960-9
وضع فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: واژه‌نامه
یادداشت	: کتابنامه
یادداشت	: نمایه
یادداشت	: دموکراسی
موضوع	: رشد اقتصادی - جنبه های سیاسی
موضوع	: دموکراسی - ایران
شناسه افزوده	: متوسلی، محمود، ۱۳۳۱-
شناسه افزوده	: نیکونستی، علی، ۱۳۵۸-
شناسه افزوده	: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره	: ۳۹۵ - ۹ - ۴۲۳ JC
رده‌بندی دیویی	: ۳۲۱/۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۴۵۲۰

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکتک کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی، اینترنت، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود.

ISBN: 978-964-03-6960-9



9 789640 369609

عنوان: توسعه و دموکراسی؛ دلالت‌های آن برای ایران
تألیف: دکتر جعفر عبادی - دکتر محمود متوسلی - علی نیکونستی
ویرایش فنی و زبانی: ایمان پناه نژاد
نوبت چاپ: اول
تاریخ انتشار: ۱۳۹۵
شمارگان: ۲۰۰ نسخه
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلفان است»

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

پهنا: ۱۸۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرش مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: http://press.ut.ac.ir

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

فهرست

پیشگفتار.....	ح
فصل اول: گذار به دموکراسی.....	۱
نسل اول: تأکید بر پیش‌نیازها.....	۳
سیمور مارتین لیپست: پیش‌نیازهای دموکراسی.....	۸
روستو و انتقاد از تأکید بر پیش‌نیازها.....	۲۱
نسل دوم: انتقاد از پیش‌نیازها تأکید بر فرایندها.....	۳۱
کارل و اشمیتر: تبیینی از گذار در آمریکای لاتین و جنوب و شرق اروپا.....	۳۴
نسل سوم: نظریه‌های جدید بعدی.....	۴۵
هانتینگتون و گذار به دموکراسی.....	۴۶
اینگلهارت و ولزل: دموکراسی به عنوان نشانه توسعه انسانی.....	۵۱
رویکرد نهادی به گذار به دموکراسی.....	۵۹
عجم اوغلو و رایینسون: تغییر نهادی لازمه دموکراسی.....	۶۰
نورث و همکاران: نظم، دموکراسی و نهادها.....	۷۴
جامعه مدنی و دموکراسی.....	۸۱
نتیجه‌گیری.....	۸۸
فصل دوم: اثر دموکراسی بر توسعه.....	۱۰۱
تکامل در مفهوم توسعه.....	۱۰۳
ویژگی‌های اقتصاد جهانی در قرن بیست و یکم.....	۱۰۷
دلالت‌های ویژگی‌های اقتصاد برای نقش دولت در اقتصاد.....	۱۱۸
دموکراسی، رشد اقتصادی و توسعه.....	۱۲۰
تکامل در نظریه‌های توسعه.....	۱۲۳
فرهنگ و جغرافیا.....	۱۲۸
سرمایه اجتماعی.....	۱۳۱
نهادها.....	۱۳۳

۱۳۵	حکمرانی
۱۴۰	عجم اوغلو و رابینسون: نهادهای مشارکتی و نهادهای بهره‌کش
۱۴۸	نورث و همکاران: نهادهای واکنش در برابر شوکها
۱۵۴	نتیجه‌گیری

۱۶۵	فصل سوم: آیا مکانیسم بازار و خصوصی‌سازی دموکراسی را پدید می‌آورد؟
۱۶۵	نظریه‌های مبتنی بر تقدم بازار بر دموکراسی
۱۶۷	نظریه نقاط حرجی تاریخی
۱۶۸	بازار حاصل فرایند گذار به دموکراسی
۱۷۱	چگونه حقوق مالکیت را جوامع پدید می‌آید؟
۱۷۴	بازار کامل در دموکراسی کامل
۱۷۵	خصوصی‌سازی، توسعه و دموکراسی
۱۷۸	نتیجه‌گیری

۱۸۵	فصل چهارم: چین، هند و مسئله دموکراسی و توسعه
۱۸۵	چین
۱۹۰	اصلاحات در چین پس از مرگ مائو
۱۹۶	هند و مسئله توسعه و دموکراسی
۲۰۰	نتیجه‌گیری

۲۰۹	فصل پنجم: دلالت‌هایی برای ایران
۲۱۵	الزامات توسعه و دموکراسی برای ایران
۲۳۲	خصوصی‌سازی، توسعه و دموکراسی
۲۳۵	نتیجه‌گیری

۲۴۱	پیوست: شاخص‌های دموکراسی
۲۴۲	شاخص دموکراسی پالیتمی
۲۴۴	شاخص دموکراسی لیبرال
۲۴۶	پرزورفسکی و همکاران و مسئله دموکراسی رقابتی

۲۴۹.....	شاخص دموکراسی وانهانن
۲۵۱.....	اینگلهارت و ولزل: شاخص دموکراسی کارآمد
۲۵۳.....	مقایسه شاخص ها و نتیجه گیری
۲۵۵.....	واژه نامه

پیشگفتار

جیمز بوکانان هنگام دریافت جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۸۶ اقتصاددانان را مورد عتاب قرار داد که «اقتصاددانان باید ارائه توصیه‌های سیاستی به گونه‌ای که آنها را یک دیکتاتور خیرخواه استخدام کرده است رها سازند و به ساختاری توجه کنند که تصمیمات سیاسی در آن گرفته می‌شود» (بوکانان، ۲۴۳، ۱۹۸۷). در واقع تا مدت‌ها اندیشمندان اقتصادی و سیاسی و علاقه‌مندان به مباحث سیاستگذاری عمومی وقت خود را صرف یافتن سیاست‌های بهینه برای دستیابی به رشد و توسعه پایدار می‌کردند. اما در این بررسی‌ها برخی نکات کلیدی که در خارج از محیط‌های دانشگاهی و پژوهشی اثر مهمی داشتند با غفلت روبرو می‌شدند. عجم اوغلو و رایینسون (۲۰۱۲) با مثال‌های فراوان نشان می‌دهند که بر خلاف تصور رایج در مافال دانشگاهی و حتی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، سیاست‌های غلط به دلیل جهل سیاستمداران یا مسائل فرهنگی اتخاذ نمی‌شود، بلکه علت آن منافع حاکمان است (عجم اوغلو و رایینسون، ۲۰۱۲، ۶۱-۶۳). این واقعیتی است که نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان در طول تاریخ یافت. به عنوان مثال می‌توان به سخنان موبوتو سسه سکو^۱ دیکتاتور زئیر اشاره کرد، وقتی که رئیس جمهور رواندا برای مبارزه با سورس مان از وی کمک می‌خواهد. موبوتو سسه سکو در جواب وی می‌گوید: «به تو گفتم هیچ جادای نه زماختن جاده هیچ وقت کار خوبی نبوده است... من سی سال است قدرت را در زئیر در دست دارم و هرگز مدت حتی یک جاده نساختم. حالا شورشی‌ها در جاده‌ها در حال حرکت هستند تا بیایند تو را دستگیر کنند» (رایینسون، ۲۰۱۹۹۹، ۲). این مثال به خوبی نشان می‌دهد که سخنان بوکانان در مورد لزوم توجه به اخبار سیاسی درست بوده است. همانطور که نورث برنده دیگر جایزه نوبل نیز بر آن تأکید و بیان می‌کند: «حلیلی درباره حکومت و خط مشی سیاسی، بخش جدایی ناپذیر از یک مدل پویای تغییر اقتصادی است، زیرا سیاست است که قواعد رسمی را تصریح، تعیین و اجرا می‌کند» (نورث، ۲۲، ۱۹۹۵).

در سایه همین سخنان و بررسی‌ها بوده است که در سال‌های اخیر، به مباحث نظام سیاسی و اثر آن بر فرایند سیاستگذاری و رشد و توسعه کشورها بیشتر شده است. هم‌طور که پاتریک گانینگ می‌گوید: «امروزه اقتصاددانان حرفه‌ای در دموکراسی‌های آمریکا و اروپا تا این حد ساده‌انگار نیستند. آنها می‌دانند که تصمیمات سیاسی در کشورهاشان از طریق ابزارهای فرایند تصمیم‌گیری جمعی گرفته می‌شود که در آن معمولاً کارآیی هدف فرعی است. آنها می‌دانند که در واقع قوه مقننه منتخب و تا حدی رئیس قوه مجریه منتخب تصمیم‌گیری‌ها را انجام می‌دهند. آینده سیاسی و اقتصادی این سیاستمداران به توانایی‌شان در راضی کردن ترکیبی از رأی‌دهندگان مستقل، گروه‌های فشار و احزاب

سیاسی بستگی دارد. کلیه این افراد و گروه‌ها معمولاً بیشتر به فکر منافع شخصی‌شان هستند تا اجرای سیاست‌های بهینه‌ای که از سوی اقتصاددانان توصیه شده است» (گانینگ، ۱۳۸۵، ۲۶).

اما توجه به اثر ساختار سیاسی بر فرایند اقتصادی در هنگام سیاست‌گذاری نه تنها پایان کار نیست، بلکه خود آغازگر بحث‌های مفصل دیگری محسوب می‌شود. به عنوان مثال دنی رودریک استاد دانشگاه هاروارد در صد و هفدهمین نشست سالانه انجمن اقتصادی آمریکا سخنرانی خود را با اشاره به این مطلب آغاز کرد که به تازگی برخی از مفسران اثرگذار این بحث را مطرح کرده‌اند که دموکراتیک شدن کشورهای در حال توسعه اثرات زیانباری مانند بی‌ثباتی، رشد اقتصادی پایین و نتایج ضعیف اقتصادی را ایجاد می‌کند و پس از آن کوشید این استدلال‌ها را رد کند (رودریک و واسزیارگ، ۲۰۰۵، ۵۰). همچنین نرث همکارانش (۲۰۰۹ و ۲۰۱۲) استدلال می‌کنند که رشد اقتصادی پایدار تنها در سایه یک نظم دموکراتیک امکان‌پذیر است و البته توضیح می‌دهند که مسئله تنها برگزاری انتخابات نیست و تأکید صرف بر انتخابات ممکن است کشور را دچار بحران نیز کند.

با توجه به مباحث فوق، می‌توان به آشنایی با مباحث دموکراسی و ارتباط متقابل آن با توسعه برای تمامی علاقه‌مندان به مباحث سیاست‌گذاری و توسعه امری ضروری است. در واقع آنچه ما را به نوشتن این کتاب ترغیب کرد آن است که نخست کتاب‌های اندکی در زمینه دموکراسی در ایران وجود دارد، دوم اینکه همین کتاب‌های محدود نیز از دیدگاه استادان علوم سیاسی نوشته یا ترجمه شده‌اند و در آنها عموماً به بحث گذار به دموکراسی پرداخته شده و کمتر به اثرات دموکراسی توجه شده است و حتی در زمینه گذار به دموکراسی نیز بحث‌های جدیدی که در سالیان اخیر مطرح شده است در آنها وجود ندارد. سوم اینکه در بسیاری از آثار یا به مسائل ایران پرداخته نشده است یا تنها از یک جنبه مثلاً از جنبه دموکراسی یا توسعه، مباحثی مطرح شده است. بنابراین در این کتاب در پنج فصل موضوعاتی مهم در زمینه دموکراسی و توسعه بررسی خواهد شد.

در فصل اول کتاب به بررسی نظریه‌های گوناگون پیرامون گذار به دموکراسی از آثار پیشگامان تا نظریه‌های اخیر می‌پردازیم. خلاصه‌ای از برخی آثار مهم در زمینه گذار به دموکراسی به این دلیل ارائه شده است که آشنایی با آنها و نقدهایی که به آنها وارد شده برای بهبود نحوه استدلال در آینده ضروری است. با این حال با ارائه نتیجه‌گیری مفصلی در انتهای فصل اول کوشیده‌ایم افرادی را که علاقه‌ای به آشنایی با جزئیات مباحث ندارند، از خواندن کل فصل بی‌نیاز نماییم. در فصل دوم به بررسی روند تاریخی تکامل در نظریه‌های توسعه می‌پردازیم و نشان می‌دهیم در نظریات متأخری که در زمینه توسعه ارائه شده است، دموکراسی جایگاه ویژه‌ای دارد.

علاوه بر مباحث فوق در فصل سوم به بررسی رابطه میان دموکراسی و بازار می‌پردازیم که یکی از مباحث چالش‌برانگیز در ادبیات گذار به دموکراسی محسوب می‌شود. در بخش چهارم به بررسی

وضعیت دموکراسی و توسعه در دو کشور چین و هند پرداخته می‌شود که همواره یکی از مباحث مهم در بحث اثر دموکراسی بر توسعه بوده‌اند. فارغ از مباحث نظری پیرامون این دو کشور که در جای خود حائز اهمیت است، این بحث از آن نظر اهمیت دارد که در خلال سال‌های اخیر برخی از سیاستمداران و حتی روشنفکران به دفاع از الگوی چینی برای توسعه کشور پرداخته‌اند، ولی نگاهی به مباحثی که مطرح می‌کنند نشان می‌دهد که آشنایی اندکی با چین و تحولات زمینه ساز توسعه آن کشور دارند. فصل پنجم به مباحث و مسائل توسعه و دموکراسی در ایران اختصاص دارد. در واقع، یکی از اهداف اصلی این کتاب ارائه بحثی با توجه به مباحث نظری در زمینه توسعه و دموکراسی در ایران بوده است. در بخش پیرست نیز به معرفی شاخص‌های اصلی دموکراسی می‌پردازیم و سعی می‌کنیم تفاوت‌ها و شباهت‌های این شاخص‌ها را به طور کامل شرح دهیم. بی‌شک آشنایی دقیق با این شاخص‌ها و مقایسه آنها برای همگان به ویژه پژوهشگرانی که به استفاده از روش‌های آماری در این زمینه علاقمند هستند، مفید خواهد بود.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که کتاب حاضر تلاشی فکری برای ارائه پاسخ به برخی از سئوالات پیرامون مباحث توسعه و دموکراسی است. مانند هر تلاشی دیگری بی‌شک این کتاب نیز دارای نقاط ضعفی است که جای تردید برای همگان محترم با اشاره به آنها ما را در بهبود کیفیت آن در چاپ‌های بعدی یاری دهند.

دکتر جعفر عبادی

(دانشیار دانشگاه تهران)

دکتر محمود متوسلی

(رئیس‌اد دانشگاه تهران)

علی نیکونستی

(دانشیار)